

## بررسی ساختار تشبیه در مجموعه‌ی اشعار نادر نادرپور

ملیحه میری بنجار<sup>۱</sup>

### چکیده:

تشبیه از مهمترین ابزارهای بیان مجازی است که برقرار کننده ارتباط بین دو امر متباین می‌باشد و از بدیع‌ترین و جالب‌ترین گونه‌های صورخیال به حساب می‌آید و پایه و اساس سایر صورت‌های خیال از جمله استعاره، کنایه، مجاز و حتی رمز می‌باشد و از پرکاربردترین عناصر بیانی در ادبیات فارسی است. موضوع مورد پژوهش این مقاله بررسی تحلیلی و توصیفی ساختار تشبیهات شعر نادرپور است اینکه شعر او از خیال‌انگیزی خاصی برخوردار است و دارای پیچیدگی خیال و تصویر آفرینی بسیار و سرشار از تشبیهات تازه و قابل توجه است. در این مقاله به بررسی ساختار تشبیهات نادرپور از لحاظ ارکان و از جهت افراد و ترکیب، حسی و عقلی بودن، تعدد طرفین و مشخص کردن زاویه تشبیه پرداخته شده است. تشبیه در شعر نادرپور از اساسی‌ترین عناصر خیال به حساب می‌آید و به عنوان یک ویژگی سبکی موجب تمایز شعر او از شعر دیگر شاعران معاصر می‌شود.

واژگان کلیدی: بلاغت، تشبیه، نادرپور.

### مقدمه

در میان صورخیال، تشبیه از زیباترین و بدیع‌ترین صورت‌های خیال است که بیشترین تأثیر و ماندگاری را در ذهن مخاطب از خود بجا می‌گذارد «مرکز اغلب صورت‌های خیال که حاصل نیروی تخیل شاعر است، تشبیه است و صورت‌های ویژه خیال از قبیل تمثیل، استعاره و تشخیص و رمز و حتی گاهی کنایه یا صورت‌های دیگر بیان که می‌توان با توسع آنها را نیز در دایره تصویر قرار داد. در حقیقت از یک تشبیه پنهان یا آشکار مایه گرفته است. به همین سبب قدرت تخیل شاعر تا حد بسیار زیادی در کشف پیوند شباهت میان اشیا آشکار می‌شود» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۵۹). در این پژوهش با توجه به اهمیت عنصر تشبیه در شعر نادرپور<sup>(۱)</sup> شاعر معاصر به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که میزان استفاده نادرپور از این عنصر ادبی و خیال آفرین تا چه حدی است و تا چه حدودی وی در اشعارش از انواع و گونه‌های مختلف تشبیه بهره گرفته است، ساختار تشبیهات او چگونه است و چه عنصری در تشبیهات او بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که در خصوص صورخیال و مخصوصاً عنصر تشبیه در شعر نو<sup>(۲)</sup> تا کنون پژوهش‌های بسیاری از سوی پژوهشگران صورت گرفته است. اما در مورد این موضوع «بررسی ساختار تشبیه در دیوان نادر نادرپور» پژوهشی که به صورت مستقل در حوزه علم بیان مجموعه اشعار نادرپور را مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نشد. فقط بطور ضمنی و گذرا آن هم بصورت بسیار خلاصه به عنصر تشبیه در بعضی از مقالات و پایان نامه‌ها اشاره شده است.

### از جمله:

طباطبایی (۱۳۸۴) در پایان‌نامه خود با عنوان « صور خیال در شعر شاعران تغزلی (ابتهاج، شهریار، نادرپور) به بررسی صور خیال سه شاعر معاصر فارسی پرداخته که به بصورت بسیار خلاصه « تشبیه » در آن توضیح داده شده است.

اسدالله‌پور (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود تحت عنوان « زیبایی‌شناسی اشعار نادرپور » اشاره ای گذرا به عنصر تشبیه هم کرده است.

افضلی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان « تصویرگری نادر نادرپور » به بررسی صورخیال بر روی برگزیده اشعار نادرپور پرداخته است.

لذا این مقاله حاضر ایده‌ی خاص خود را دارد و هدف این پژوهش تبیین جایگاه تشبیه در دیوان شاعر نوپرداز معاصر نادر نادرپور می‌باشد.

## تشبیه

یکی از مهمترین ویژگی‌های تشبیه که آن را از سایر صور علم بیان ممتاز می‌نماید ساده و زیبا بودن آن در عین پیچیدگی‌های خاصش می‌باشد چنانکه هر شخصی را بصورت ناخواسته تحریک و وادار به فکر کردن به جمله‌ای از جملات گوینده یا نویسنده می‌کند که در آن از تشبیه استفاده شده است. می‌توان تشبیه را از اعجاز کلام دانست که شالوده و اساس زیبایی کلام در آن نهفته شده و ریشه‌ی تمام صور علم بیان از جمله استعاره، کنایه، مجاز و حتی رمز در آن می‌باشد. رد پای تشبیه را علاوه بر متون نظم و نثر در قرآن مجید می‌یابیم که با زیبایی و شیوایی خاصی در کلام خدا بکار رفته است. برای نمونه: مثل الذین حملوا التوراء ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفاراً؛ خداوند در این آیه کسانی که تورات را حمل می‌کنند ولی به آن عمل نمی‌کنند به خری تشبیه می‌کند که کتاب بار دارد. عبدالقاهر جرجانی تشبیه را یکی از ابتدایی‌ترین، زیباترین و سزاوارترین اصولی یاد می‌کند که مهمترین محاسن کلام را در برگرفته و از سایر صورخیال ممتاز است. وی همواره بر استفاده درست و بجا از تشبیه در کلام تاکید می‌کند (جرجانی، ۱۹۸۲، م: ۲۰). البته در تعریف تشبیه گفته‌اند که «تشبیه قرار دادن همانندی است بین دو چیز یا بیشتر از دو چیز که اشتراک آنها در یک صفت یا بیشتر از یک صفت می‌باشد» (هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۲)، دیگر بلاغت نویسان نیز تقریباً چنین تعریفی را از تشبیه<sup>۳</sup> ارائه داده‌اند. برخی غرض از تشبیه<sup>۴</sup> را بیان حال مشبه و تقریر آن در ذهن مستمع دانسته‌اند یعنی روشن و مجسم ساختن وضعیت و موقعیت مشبه. پس تشبیه بیان مخیل حال مشبه است و این بیان حال همواره با اغراق همراه است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۲). هر تشبیه‌ی دارای چهار رکن است که عبارتند از: مشبه، مشبه‌به، وجه‌شبه وادات تشبیه. با توجه به اهمیت رکن مشبه‌به نخست به بررسی آن در شعر نادرپور می‌پردازیم:

## مشبه‌به

مهمترین پایه و اساس تشبیه مشبه‌به است که شالوده و اساس استعاره هم بر مبنای یک عدد مشبه‌به استوار است و با حذف آن دیگر تشبیه‌ی در کار نیست و نمایانگر خلاقیت و نوآوری در دستگاه بلاغت است. مشبه‌به‌های بکار رفته در دیوان شعر نادرپور شامل طبیعت، اشیا، حیوان، اعضای بدن حیوان، انسان، متعلقات انسان، اعضای بدن انسان، جا و مکان، زمان، خوردنی و مزه، موجودات وهمی و بانگ و آواست، که در این میان بیشترین بخش مربوط به طبیعت است.

## طبیعت

عنصر غالب در صورت‌های خیال شعر نادرپور طبیعت است چه در تصویرهای فشرده‌ی حاصل از ترکیب اضافی و چه در تصویرهای گسترده همه جا حضور طبیعت در شعر نادرپور احساس می‌شود و عناصر و جلوه‌های طبیعت فضای شعر وی را از عطر و زیبایی و رنگ‌های طبیعت سرشار کرده و بدان وسعت و عظمت بخشیده است. وسعت و زیبایی‌های جاودانی طبیعت، قدرت القایی تصویرهای شعر نادرپور را که در خدمت عواطف انسانی است نه تنها شدت داده، بلکه لطف و زیبایی آن خواننده را به مکرر خواندن دعوت می‌کند. «طبیعت به طور معمول به محیط زیست طبیعی یا حیات وحش، کوه‌ها، جنگل‌ها، سواحل و همهی آن چه که نفوذ انسان آن را تغییر نداده یا در برابر نفوذ انسان ایستادگی کرده است اطلاق می‌گردد» (عمل صالح، ۱۳۸۹: ۱۰۲). نادرپور ۶۲۳ عدد مشبه‌به که مربوط به اموری که در طبیعت است در دیوان خود بکار برده، از جمله: ابر، برف، باران، گل سرخ و یا رودی که بستر خود را ویران می‌کند و یا چشمه‌ای که از نهانگاه دل شاعر می‌جوشد و یا برف خجالت که بر دو سوی پیشانی او می‌نشیند:

شبی آسمان را بر افروخت برقی

چو رودی که ویران کند بسترش را (نادرپور، ۱۳۸۱: ۸۴۷)

از نهانگاه دلم،  
چشمه‌ی غم‌های جهان جوشید (همان: ۸۶۶)  
ترگشتن از باران پرسش‌های بی پاسخ (همان: ۹۰۳)  
برف خجالت‌م بنشست بر دو سوی پیشانی (همان: ۷۲۰)  
آنها که چون شکوفه‌ی گیلای‌های سرخ  
در دامن نسیم گریزنده ریختند (همان: ۱۶۴)  
ابر گناه  
برف ندامت نشانده است (همان: ۷۵۵)  
دیدم که در این خاک بی باران  
گل‌های سرخ اشتیاق من نخواهد رست (همان: ۹۰۶)

### اشیاء

منظور از اشیاء چیزهایی است که جزء طبیعت نیست و ساخته و پرداخته‌ی دست آدمیان است. این دسته از مشبه-  
به‌ها با بسامد ۴۷۹ مورد پس از طبیعت قرار می‌گیرد. مشبه‌به‌هایی از قبیل: آئینه، داس، رایت، سطل، تنگ شراب،  
فانوس، سفینه و...:

آسمان  
ماه درخشان خزانی را  
همچو آئینه به دیوار افق کوبید (همان: ۸۶۶)  
از شب ربوده  
داس درخشان ماه را (همان: ۸۹۳)  
ما رایت بلند تخیل را  
بر بام این سرای تهی برافراشتیم (همان: ۷۵۶)  
در سطل آسمان مسین می‌ریخت (همان: ۸۴۲)  
سفینه‌ی دل  
نشسته در گل چراغ ساحل نمی‌درخشد (همان: ۷۲۲)  
تو مثل تنگ شرابی  
تو زود می‌شکنی (همان: ۷۰۱)  
فانوس خیال شاعران را کشت (همان: ۸۱۸)

### حیوان

گاهی حیوانات و پرندگان در تصویرهای شعر نادرپور بویژه در تصویرهای گسترده و فشرده‌ی وی حضور  
دارند. ۹۷ مورد از مشبه‌به‌های نادرپور حیوانات می‌باشند. حیوانات و جانورانی از قبیل: اسب، گاو، خروس، پلنگ،  
عنکبوت، سگ و.....:

کوه زانو زده  
چون اسب زمین خورده به راه  
سینه انباشته از شیهه‌ی خاموش هلاک (نادرپور، ۱۳۸۱: ۳۹۶)  
تاگاو زورمند هوس را  
درمن به جست و خیز برانگیزی (همان: ۸۲۶)

وقتی که خروس مرگ می‌خواند (همان: ۸۲۲)

پلنگ غرورت خروشید در تو (همان: ۶۸۷)

حافظه من چو عنکبوت کهنسال

پرده‌ای از خاطرات گمشده می‌بافت (همان: ۹۵)

چشمش از حسرت آبی که نیابد همه عمر

می‌رود همچو سگی هار، به دنبال سراب (همان: ۳۹۷)

### اعضای بدن حیوان

از دیگر مشببه‌هایی که نادرپور در دیوان خود بکار برده است اعضای بدن حیوان است که ۳۵ مورد از مشببه‌ها را در دیوان شعر وی به خود اختصاص داده است:

چشم‌هایش؛ چشم‌های گربه‌ای در آفتاب صبح (همان: ۴۶۴)

چکمه‌ای کرده به پا

سرخ‌تر از پنجه‌ی اردک‌ها (همان: ۷۲۴)

در زیر آسمان تو یک شاخه‌ی ستبر

چون گردن بریده‌ی آهو

اوراد واپسین را می‌خواند (همان: ۵۴۵)

می‌فشارد کمرم را چو تن خرگوش (همان: ۲۶۰)

ای گیسوان تو

مانند یال اسب پر از برق آفتاب (همان: ۳۹۶)

### انسان

۱۴۱ مورد از مشببه‌های نادرپور به «انسان» اختصاص یافته است:

پای لنگش چو همان بادیه پیمای کهن، عریان (همان: ۷۲۵)

نخل بلند ساحل دریا

به چشم وی طفل برهنه‌ایست

که در بستر حریر کابوس دیده است

و به شب می‌برد پناه (همان: ۸۹۶)

ده همچو خفته‌ای

که از خواب سحر پرد

چشمی گشود و خورد به آهستگی تکان (همان: ۶۲)

درختانند با بادی به نجوا

سر از مستی به گوش هم نهاده

سیاهیشان چو دزدان پیاده (همان: ۶۴)

### اعضای بدن انسان

گاهی اعضای بدن انسان مشببه قرار می‌گیرند که ۶۶ عدد از مشببه‌های نادرپور مربوط به اعضای بدن انسان است:

درهای بسته چون دو لب ناگشوده بود (همان: ۱۷۵)  
از دیدگان کور شب افتاده‌ام چو اشک (همان: ۱۴۱)

### زمان

عنصر زمان به عنوان مشابه به ۳۸ مورد را به خود اختصاص داده است:

آنگاه در ظهر طلایی رنگ اندیشه  
ابر گمان را در زلال آسمان دیدن (همان: ۹۰۳)  
من در شب بلند خیالم  
بازورقی که در دل آن قاب  
از سینه‌ی بر آمده‌ی آب می‌گذشت (همان: ۶۰۲)

### خوردنی و مزه

نمونه‌ی دیگر از مشابه‌های بکار رفته در دیوان نادرپور مربوط به خوردنی و مزه‌هاست که شامل ۴۴ مشابه می‌شود:

دریایی است لبریز از شراب خون (همان: ۲۲۶)  
من از داروی شور اشک  
در شب‌های بیداری  
چه امیدی به غیر از این توانم داشت (همان: ۹۲۲)  
خورشید نان سفره‌ی ما شد (همان: ۷۵۴)

### موجودات وهمی

«منظور از موجودات وهمی موجودات اساطیری است که اگرچه در حوزه‌ی حواس ما قرار نمی‌گیرد اما جاندار تصور می‌شوند» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۷۷)، از تصویرهایی که موجودات وهمی در آن یک سوی تصویر را شکل می‌دهند، در شعر نادرپور ۱۸ مورد به عنوان مشابه به بکار رفته است:

اشباح دور دست درختان را  
ارواح ناشناخته می‌پنداشت (نادرپور، ۱۳۸۱: ۷۹۷)  
آوای غوک و زنجره را  
در سکوت شب  
گفت و شنود جن و پری می‌خواند (همان: ۷۹۷)  
ای آشیان سنگی سیمرخ سرنوشت (همان: ۹۱۴)  
ای دیوشب فرشته خورشید را بکش (همان: ۱۶۱)

### بانگ و آوا

۱۵ مورد از مشابه‌های نادرپور مربوط به صداها و آواهاست. آواهایی از قبیل: صدای ناله‌ی نی، بانگ مست و بانگ ارغنون و ...:

همچون صدای ناله‌ی نی از راه دراز  
یاد تو شاد می‌کنم در شب نیاز (همان: ۳۹۳)

غریو دور دست آبشاری  
چوبانگ مست خیزد بی اراده (همان: ۶۴)

### تشبیه گسترده و فشرده

تشبیه گسترده: «تشبیهی که به صورت ترکیب اضافی بیان نشده باشد ممکن است هر چهار رکن تشبیه یعنی مشبه، مشبه‌به، ادات و وجه شبه ذکر شود و ممکن است وجه شبه یا ادات تشبیه یا هر دو حذف شود» (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

شعر نادرپور از نظر تشبیه بصورت گسترده بسیار غنی است. مهمترین خصیصه‌ای که در تشبیهات شعر نادرپور جلب نظر می‌کند تازگی آنهاست. ۱۱۲۱ عدد از تصاویر شعر نادرپور را تشبیهات گسترده به خود اختصاص داده است:

آنگاه برگ خوانده را چون باد از تقوم می‌راند (نادرپور ۱۳۸۱: ۶۱۳)

روح همیشه چون تن کودک برهنه است (همان: ۵۸۰)

زنبورهای عسل در نگاه او

گل‌های بالدار جهان بودند (همان: ۷۹۴)

پاره سنگی چو دل از سینه‌ی او بیرون جست

پیش پای تو فرود آمد و از کار افتاد (همان: ۳۳۷)

تمام پنجره‌ها چشم‌های تیدارند

که رقص چلچله‌ها را در آسمان بهار به خواب می‌بینند (همان: ۴۳۸)

آری هزار بار تصویر من در آینه و چشمه غرق شد

یا خود در آن دو چشم درخشان رسوب کرد

تا ناگهان جوانی ناپایدار من

چون آفتاب در شب غربت غروب کرد (همان: ۸۵۶)



### تشبیه فشرده

«منظور از تشبیه فشرده تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌به) بصورت یک ترکیب اضافی در می‌آید که در اغلب قریب به اتفاق موارد مضاف در آن مشبه‌به و مضاف‌الیه مشبه می‌شود (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۵). از این نمونه تشبیه ۶۹۴ مورد در دیوان شعر نادرپور بکار رفته است. تشبیهات فشرده از قبیل: اسفنج کبود ابرها، حوری خورشید، استخر بلورین افق، طیاره‌ی طلایی خورشید، پرتو فانوس شعر من، طاق مرمری خاطر، سیب سرخ خورشید و ....:

من اسفنج کبود ابرها را لمس خواهم کرد (نادرپور، ۱۳۸۱: ۴۱۶)

حوری خورشید سیر از لذت آغوش

تن در استخر بلورین افق می‌شست (همان: ۴۰۴)

طیاره‌ی طلایی خورشید

آماده‌ی صعود و سفر بود (همان: ۶۷۷)

اما چه شد که پرتو فانوس شعر من

دیگر به طاق مرمری خاطر من نتافت (همان: ۳۴۱)

وقتی که سیب سرخ خورشید

از شاخه می‌افتاد و قانون زمین را در آن بهشت نیلگون تفسیر می‌کرد (همان: ۸۵۳)

کلاف ابر در اندیشه‌ی گسستن بود (همان: ۶۰۹)

شلاق سرخ صاعقه بر پشت آسمان پیچید (همان: ۷۱۸)

رایت عصیان برافراز ای اجل ای کاوه‌ی حداد (همان: ۷۱۴)

نادرپور تشبیهات گسترده و فشرده را با زیبایی خاصی در اشعار خود بکار برده که توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و مخاطب را به تفکر و تأمل درباره‌ی آن تشبیهات وادار می‌کند علت آن هم این است که تصویرساز بزرگی است راهگشای شیوه‌ای تازه در شعر نیما می‌باشد (رستگارفسای، ۱۳۸۰: ۶۰۶). در میان شاعران معاصر ایران، نادر نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۸) بیش از همه به تصویر توجه و تعلق دارد. «مورخان ادبی غالباً او را از گروه رمانتیک‌ها می‌شمارند اگرچه در شعر او نگرش رمانتیک‌ی هست اما تصویر بر اندیشه و احساس وی غالب است و قدرت شعرش بیش از هر چیز ناشی از تصویرهای ناب و زنده است» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۱۱)، پس دلیل بکر و نو بودن اکثر تشبیهات او قدرت او در تصویرگری نیز می‌باشد. فروغ فرخزاد با اعتراف به قدرت نادرپور در خلق تصاویر قوی در اشعارش، او را به دلیل عدم توجه به محتوا نکوهیده است و گفته است «شعر نادرپور از نظر محتوا به کلی خالی است. او تصویرساز ماهری است؛ اما تصویر به چه درد من می‌خورد؟!» (فرخ زاد، ۱۳۳۵: ۳۵). نادرپور برخوردار از نگاهی تیزبین و خیالی دور پرداز است و غالباً ترکیبات تشبیهی ابداع خود او است.

#### تقسیم تشبیه به اعتبار طرفین<sup>۰</sup>

الف: هر دو مفرد مطلق

ب: هر دو مفرد مقید

ج: هر دو مرکب

د: یکی مرکب، یکی غیر مرکب

مفرد: تصور و تصویر یک هیئت یا یک چیز است.

مقید: تصور و تصویر مفردی است که مقید به قیدی باشد قید ممکن است اسم، صفت، یا اسم همراه حرف اضافه باشد.

مرکب<sup>۱</sup>: «منظور جمله، واژه یا عبارت نیست بلکه هیئت متنوع از چند چیز می‌باشد و به زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در بوجود آوردن آن نقش دارد» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۸۱).

#### مشبه مفرد، مشبه به مفرد

از این نمونه تشبیه که هر دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه به) هر دو مفرد باشد ۷۲۴ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

اکنون چراغ عشق در این خانه مرده است

باید که پیه سوز عبارت را

در خلوت خیال برافروزم (نادر پور، ۱۳۸۱: ۷۵۹)

در این شعر، عشق که مفرد است به «چراغ» که آن هم مفرد است تشبیه شده است. همچنین است پیه سوز عبادت.

آویزهای یاس با خوشه‌های تازه‌ی انگور

در نازکی مقابله می‌کنند (همان: ۷۲۷)

در من حریق خاطرهای شعله می‌کشید (همان: ۹۳۲)

چه غم گر چلچراغ ماه بزمم را نیاراید (همان: ۹۲۲)

خورشید که تیرش به سنگ خورده است چون من مشوش است (همان: ۷۹۹)

قلبم را چون تفی به خاک افکندم (همان: ۵۱۰)

مشبه مفرد مقید، مشبه به مفرد مقید

دو چیز که مقید به قیدی باشد به هم تشبیه می‌شوند نادرپور از این نمونه تشبیه ۲۵۹ عدد در دیوان شعر خود بکار برده است:

بر خشکسال سینه‌ی من بارد

این اشک گرم چون نم باران (همان: ۲۸۸)

مشبه: اشک گرم، گرم صفتی است که همراه اشک آمده است

مشبه به: نم باران، باران اسم است و در حکم مضاف الیه که همراه نم آمده است.

وان قطره‌ی نگاه تو چون در دلم چکید

چون اشک گرم شمع مرا زندگی بسوخت (همان: ۱۶۰)

گروه زاغ‌ها چون پاره‌ای از پیکر شب بود (همان: ۳۴۷)

گاهی ستارگان پراکنده

این پشه‌های فسفری شب

نیش بلند و نازکشان را

در ریشه‌های چشمم می‌کارند (همان: ۶۰۵)

وز زهر نیش این پشگان در من

اندیشه‌ی سرخ ورم کرده

چون دانه‌های آبله می‌خارند (همان: ۶۰۵)

مشبه مفرد، مشبه به مفرد مقید یا بالعکس

از این نمونه تشبیه که یکی از طرفین مفرد و دیگری مقید به قیدی باشد ۶۹۰ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

ما از حریم آتش و خاکستر

شب را به پیشواز سحر بردیم

خورشید نان سفره‌ی ما شد

لحن کلام ما به عسل آمیخت (همان: ۷۵۴)

مشبه: خورشید

مشبه به: نان سفره‌ی ما، نان مقید به قید اضافه می‌باشد به همین علت مفرد مقید نام می‌گیرد.

وقتی که من جوانِ جوان بودم:

شب‌ها ستارگان

در جام لاجوردی براق آسمان

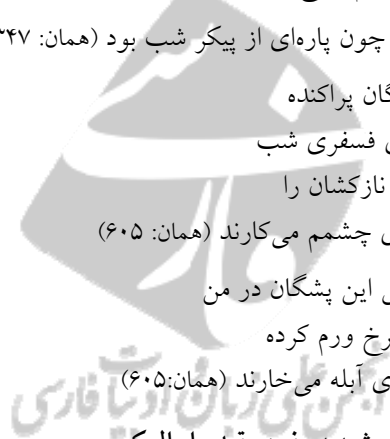
چون تکه‌های کوچک یخ، آب می‌شدند (همان: ۷۶۸)

مشبه: ستارگان

مشبه به: تکه‌های کوچک یخ

طیاره‌ی طلایی خورشید

چرخ‌ی زد و نشست (همان: ۶۷۴)





آه! ای امید غایب! آیا زمان آمدنت نیست  
سنگ‌های بزرگ عصیان در دست‌های تست (همان: ۴۷۹)

چون نگهبانان دهشتناک ظلمت  
در کنار چشمه‌ی وحشی، چناران (همان: ۱۰۱)

#### مشبه مرکب، مشبه به مرکب

یک هیئت منتزع از چند چیز به یک هیئت منتزع از چند چیز دیگر تشبیه می‌شوند از این نمونه تشبیه در دیوان نادر پور ۶۸ مورد بکار رفته است:

چو ماری که بر دوش ضحاک خفته  
گره خورده زنجیر بر بازوانش (همان: ۳۴۸)

در اینجا یک هیئت منتزع از چند چیز به یک هیئت منتزع از چند چیز دیگر تشبیه شده است حتی می‌توان بین دو مصراع قرینه سازی هم کرد. یعنی « دو تابلوی نقاشی به هم تشبیه شده‌اند» (شمیسا ۱۳۸۱: ۸۲)

مشبه: مار، دوش ضحاک، خفتن

↓ ↓ ↓

مشبه به: زنجیر، بازوان، گره خوردن

قرینه‌سازی هم در این بیت رعایت شده است.

دل خونین مرا بستر غم خوابگه است

خال سرخی است که بر گونه‌ی زرد افتاده‌ست (همان: ۲۹۶)

ای قله سپید در آفاق کودکی

چون کله قند سیمین در کاغذ کبود (همان: ۹۱۵)

مهر من از نگاه تو افزوده می‌شود

مانند طعم خاطره از مستی شراب (همان: ۱۷۶)

اندام تو از لا بلای سایه‌ها می‌تافت

چونانکه در ظلمت سپیدی می‌زند مرمر (همان: ۸۲۹)

#### مرکب به مفرد مقید یا بالعکس

نادرپور از این نمونه تشبیه ۲۲ مورد در دیوان خود بکار برده است:

پیر و جوان مانند مورانی شتابان

با توشه‌هایی از هراس و حسرت خویش

سر گشته می‌رفتند سوی آشیانه (همان: ۸۵۲)

مشبه: پیر و جوان ← مرکب است به مورانی شتابان تشبیه شده است. شتابان صفتی است برای مور پس مقید به قید صفت می‌شود.

چرا سال‌ها زنده در گور کردی

شب و روز این دو طفل زمان را (همان: ۹۱۹)

#### مشبه مفرد، مشبه به مرکب یا بالعکس

از این نمونه تشبیه ۸ مورد در دیوان نادر پور بکار رفته است:

گویی به آب و آینه مانیم  
سر تا پای جام و جینیم (همان: ۴۸۶)

### تشبیه طرفین، تشبیه از لحاظ حسی و عقلی بودن

«تشبیه یافتن شباهت بین دو شیء است این دو شیء بر حسب آنکه هر دو به حوزه‌ی محسوسات و دیگری به حوزه‌ی معقولات تعلق داشته باشد، انواعی از تشبیه به اعتبار طرفین پدید می‌آورد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۸۹). تشبیه را از لحاظ حسی و عقلی بودن برخی به دو قسم، برخی به سه و برخی به چهار قسم تقسیم کرده‌اند:

الف: هر دو طرف حسی

ب: هر دو طرف عقلی

ج: مشبه حسی، مشبه به عقلی

د: مشبه عقلی، مشبه به حسی» (هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۷)

حسی<sup>۸</sup>: چیزی است که با حواس پنجگانه ظاهری یعنی بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بساواپی دریافت می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۵۸)، ساده‌ترین نوع تشبیه، تشبیه حسی به حسی است که از جلوه‌های بارز برجستگی و نوآوری در کلام است. تشبیهات حسی به حسی که لازمه‌ی ایجاد آنها فعالیت ذهنی نویسنده برای برقراری ارتباط میان دو چیز به ظاهر بی‌ارتباط است و قدرت نویسنده در حوزه‌ی تصویر آفرینی را نشان می‌دهد (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۸۹).  
عقلی<sup>۹</sup>: «یعنی محسوس به حواس باطن باشد، از قبیل مفاهیم انتزاعی و مجرد که به عقل ادراک می‌شود ولی در خارج وجود ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۵۸).

مشبه حسی، مشبه به حسی

«تشبیه یک شیء حسی به یک شیء حسی دیگر در پایین‌ترین سطح ادراک حسی قرار دارد» که آن را می‌توان «تصویر سطح» نامید (فتوحی، ۱۳۸۵: ۶۳). تشبیهات حسی به حسی در شعر نادرپور فراوان است و چیزی در حدود ۱۲۰۶ مورد را به خود اختصاص داده است:

هرگز گلابدان بلور ماه بر من گلاب نور نمی‌پاشید (نادر پور، ۱۳۸۱: ۲۶۹).

مشبه: ماه، چیزی که با حواس پنجگانه ظاهری می‌توان دید و مشبه به گلابدان بلور یک شیء است و در عالم خارج وجود دارد و می‌توان آن را دید و لمس کرد.

خورشید چشم‌های تو در اشک من شکفت

چون نرگس طلایی گلخانه‌های دور (همان: ۴۰۰)

تسبیح شب که مهره‌ی صدها ستاره داشت

در زیر پنجه‌های تر صبحدم گسست (همان: ۳۴۰)

هر شاخه پنجه‌ای است

که از آستین خاک سر برزده و حاصل او میوه‌ی غمی است (همان: ۳۷۸)

«نادرپور با خلق تشبیهات و استعارات حسی صریح، مانند «حوله‌ی ابر سپید، زنبور آفتاب، ناخن کبود برق، چراغ سرخ شقایق، تیشه‌ی برق» حوزه‌ی تجربه‌ی حسی را گسترش می‌دهد. تشبیهاتش نوعی تصرف در روابط اشیاء است. گاه چنان می‌نماید که او در شعر غیر از ابداع تصویرهای بصری و حسی، هدف دیگری را دنبال می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۱۲).

مشبه عقلی، مشبه به عقلی

«این نمونه تشبیه قاعداً نباید وجود داشته باشد زیرا که از مشبه به عقلی، وجه شبه روشن و صریحی اخذ نمی‌شود

تا حال مشبه را به کمک آن دریابیم» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۷۴). از این نمونه تشبیه ۶۲ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

مرگ را چون سرطانی نوزاد  
در بن آب روان می‌دید (نادر پور، ۱۳۸۱: ۸۳۷)  
عمر من بود آنچه در زورق هنوز شعله می‌زد  
چون امید واپسین (همان: ۹۲۵)

البته در این تشبیه از آنجاکه عمر (مشبه) و امید (مشبه‌به) هر دو از مقوله‌های آشنا هستند چندان ابهامی در کلام ایجاد نمی‌کند. اما در تشبیه زیر «شبح مست خوابگرد» و «روح شب» هر دو از مقوله‌های انتزاعی هستند و با وجود اینکه وجه شبه یعنی «شکفتن» نیز ذکر شده، همچنان درک و فهم تشبیه مبهم است. علاوه بر انتزاعی و ذهنی بودن طرفین تشبیه، شاعر از عنصر تشخیص هم بهره گرفته است و این بر ابهام آن افزوده است. البته در اکثر موارد در چنین تشبیهاتی از استعاره و دیگر تصاویر شعری هم استفاده می‌شود.

آنگاه در من آن شبح مست خوابگرد  
چون روح شب شکفت (همان: ۶۷۵)

درمن پرش گرفت  
نیروی ناشناخته‌ای چون تب شراب  
با مستی گذاخته اش در سرم دوید (همان: ۴۳۱)  
دل من در پی است چون سایه‌ای گمراه  
تن از دیوانگی در خاک می‌مالید (همان: ۲۴۴)

مشبه حسی، مشبه‌به عقلی

«از نظر تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه این است که به کمک مشبه‌بھی که در صفت اعرف و اجلی و اقوی از مشبه است حال و وضع مشبه را در ذهن تقریر و توصیف کند و مشخص است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است از این رو در این گونه تشبیهات، شاعر خود وجه‌شبهی را که مورد نظر اوست ذکر می‌کند این گونه تشبیهات همواره مفصل است» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۷۱). از این نمونه تشبیه نادرپور ۱۹۷ مورد در دیوان خود بکار برده است:

گاوی فربه بر چمنی بیکرانه چون ابدیت

زیر سپهری به دور دستی فردا

چشم چپش سرخ‌تر زخون دل لعل

چشم دگر سبزتر از خلوت بودا (نادرپور، ۱۳۸۱: ۷۰۶)

مشبه: چشم گاو چیزی است، حسی که خلوت بودا که چیزی است عقلی و با حواس پنجگانه‌ی ظاهری هم نیز نمی‌توان درک کرد که خلوت بودا چگونه است، تشبیه شده است.

از همین نوع است نمونه‌های زیر:

ای پیکرت محرم‌تر از هر پیرهن با من

وقتی که آیات سیاه گیسوان تو

بر سینه‌ی من نقش می‌بندد (همان: ۷۴۳)

من چون سکوت در دل شب ایستاده‌ام (همان: ۶۲۲)

ای از پیام ابر تو هر قطره آیتی (همان: ۶۲۵)

### مشبه عقلی، مشبه به حسی

این گونه تشبیه « با یکی از اصول مسلم تشبیه که مشبه به باید اجلی از مشبه باشد و برای تبیین و ایضاح امور عقلی آنها را به امور حسی تشبیه می‌کنند، سازگار است» (بهمنی مطلق، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

باید که پیه سوز عبادت را در خلوت خیال برافروزم (نادرپور، ۱۳۸۱: ۷۵۹).

در اینجا عبادت که یک امر عقلی و وجدانی است به پیه سوز که حسی است تشبیه شده است.

جانم زتاب آتش غم‌ها سوخت (همان: ۱۱۸)

امید گمشده چون کاروان رسید و گذشت (همان: ۱۳۶)

عشق مرا چون برگ خزان دیده ریختی (همان: ۱۵۵)

برگور روزهای سیه بوته‌های عشق پژمرد (همان: ۱۵۹)

### وجه شبه

در ساختار بیشتر جملات تشبیهی وجه شبه را معمولاً ذکر نمی‌کنند زیرا کلام ادبی باید مخیل باشد اگر وجه شبه ذکر شود از مایه‌های تخیل کاسته می‌شود در تشبیهات نو و بکر وجه شبه را ذکر می‌کنند تا تشبیه فهمیده شود در حقیقت فهم تشبیه، درک وجه شباهت‌های پنهان و ادعایی بین مشبه و مشبه به است. تشبیهی را که وجه شبه در آن ذکر شود، تشبیه مفصل می‌گویند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۵)، وجه شبه معنا و خصوصیتی است که اشتراک طرفین در آن مورد نظر است خواه این اشتراک امری حقیقی باشد خواه تخیلی بنابراین وجه شبه همان ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۶۷) وجه شبه‌هایی که در دیوان شعر نادرپور بکار رفته، به نوعی تشخیص دادن خود وجه شبه یا نوع آن از لحاظ تحقیقی، استخدامی یا تخیلی بودن به نوعی دشوار می‌باشد به همین جهت وجه شبه‌هایی را که نوع آن را نتوانسته‌ایم به خوبی تشخیص دهیم در شمار وجه شبه‌های گنگ و مبهم در نظر گرفته‌ایم. وجه شبه جان تشبیه است آفرینش هر هنری باز بسته به وجه شبه است و این وجه شبه است که سرنوشت تشبیه را از دید هنری رقم می‌زند از این رو وجه شبه بنیادی‌ترین پایه تشبیه به حساب می‌آید (کزازی، ۱۳۷۵: ۴۷).

### وجه شبه تحقیقی

مراد از وجه شبه تحقیقی آن است که شباهت مورد نظر در هر دو طرف تشبیه وجود داشته باشد (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۰۰). از این نمونه وجه شبه نادرپور ۱۰۴۷ مورد در دیوان خود بکار برده است که نسبت به سایر وجه شباهت بسیار است. این دلیلی برای بکر و نو بودن تشبیهات وی است.

دست تو

دست دایه‌ی بخت است (همان: ۶۲۴)

ویژگی مشترک بین دست تو و دست دایه‌ی بخت آرامش‌بخشی است؛ که این آرام‌بخشی هم در دستان تو و هم در دستان دایه‌ی بخت وجود دارد.

سنگ بزرگ عصیان در دست‌های تست

آیا علامت زدنت نیست؟ .... (همان: ۴۷۹)

ویژگی مشترک بین سنگ و عصیان خاصیت شکنندگی و تخریب است که در هر دو طرف تشبیه این ویژگی وجود دارد.

این در که پلک چشم تو باشد گشوده شد (همان: ۱۶۸)

ویژگی مشترک بین در و پلک گشوده شدن است که این ویژگی در هر دو طرف تشبیه وجود دارد.

### وجه‌شبهه دوگانه (استخدام)

«گاهی وجه‌شبهه در ارتباط با مشبهه یکی معنی و در ارتباط با مشبه‌به معنی دیگری دارد یک بار حسی و بار دیگر عقلی است در این صورت کلام بسیار زیبا و هنری خواهد بود» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۵-۳۶). از این نمونه وجه‌شبهه در دیوان نادرپور ۵۱۰ عدد بکار رفته است:

برگور روزهای سیه

بوته‌های عشق پژمرد (نادرپور، ۱۳۸۱: ۱۵۹)

عشق به بوته تشبیه شده است وجه‌شبهه پژمردن است که نسبت به بوته به معنی خود پژمرده شدن بکار رفته است ولی نسبت به عشق به معنی از بین رفتن عشق می‌باشد.

نورضعیف چراغ خاطره می‌تافت (همان: ۹۵)

خاطره به چراغ تشبیه شده است که ویژگی مشترک بین خاطره و چراغ «تافتن» می‌باشد که نسبت به چراغ به معنی تابیدن و نسبت به خاطره به معنی زنده شدن و به یاد آمدن خاطره در ذهن می‌باشد.

در سرزمین خاطر من جنگ نیست (همان: ۷۲۸)

طیاره‌ی طلایی خورشید آماده‌ی صعود و سفر بود (همان: ۶۷۷)

طیاره‌ی طلایی خورشید چرخ‌ی زد و نشست (همان: ۶۷۴)

### وجه شبهه تخیلی

مورد مشابهت در طرفین یا در یکی از آنها خیالی و ادعایی است یعنی اصلاً در عالم واقع چنان چیزی حقیقت ندارد (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۰۱)، از این نمونه وجه‌شبهه ۵۸ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

با شاخه‌ی نازک پاها و دست‌ها

ابریشم هوا را تا آسمان درید (نادرپور، ۱۳۸۱: ۴۲۹)

پاها و دست‌ها به شاخه‌ی نازک تشبیه شده است که نازک بودن ویژگی مشترک بین مشبهه و مشبه‌به است؛ که نسبت به پاها و دست به نوعی ادعایی می‌باشد.

قدش (گل) زگردباد رساتر بود (همان: ۷۴۶)

با این بهار سرخ گلی سهمگین شکفت

آری گلی بزرگتر از گرد باد (همان: ۷۴۶)

من نیز آرزوی پریدن را

پرسوی آفتاب کشیدن را

همچون درخت از تو (نسیم) طلب کردم (همان: ۵۸۴)

### وجه‌شبهه مبهم

«گاهی با آنکه وجه‌شبهه ذکر می‌شود و شاعر به سبب اینکه بین دو امر کاملاً دور و غیر مأنوس رابطه‌ای ایجاد می‌کند و مشبه‌به یک مورد عقلی و ناآشناست وجه‌شبهه با ابهام همراه است و درک آن آسان نیست گاهی سبب ابهام این است که خود وجه‌شبهه معنایی ندارد گاهی علت ابهام این است که بین وجه‌شبهه و مشبه‌به ارتباط آشکاری نیست یعنی مشبه‌به در آن وجه‌شبهه اعرف نیست به هر حال وجه‌شبهه به صورت طبیعی از مشبه‌به بیرون نمی‌تراود و به ذهن متبادر نمی‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۳۰)، در این گونه وجه‌شبهه‌ها رابطه‌ی میان مشبهه و مشبه‌به، به تملک ادراک حسی و فهم عقلانی در نمی‌آید بلکه احساس گنگ و لطیف در خواننده بر می‌انگیزد و راز لطافت این گونه تشبیه‌ها در

غرابت مشبه و مشبه‌به است (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۸۶).

گاهی دو امر کاملاً متباین از هم به هم تشبیه شده‌اند که هیچ وجه شباهتی در آن یافت نمی‌شود. از این نمونه وجه‌شبهه ۱۷۶ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

نوری که چون شمایل شوم مقدسان

در زیر روشنایی ماه ایستاده بود (نادرپور، ۱۳۸۱: ۳۰۲)

نور به شمایل شوم مقدسان تشبیه شده است مشخص نیست که شمایل شوم مقدسان چگونه بوده است که نور به آن تشبیه شده است یا حالت ایستادن این شمایل شوم مقدسان چگونه بوده است.

هر ظهر (تهران) چون زبان تب آلود برگ

طعم شراب تلخ و گس آفتاب را احساس می‌کند (همان: ۳۲۰)

واقعاً وجه‌شبهی که شاعر برای تشبیه خود در نظر دارد چیست آیا همه‌ی کسانی که شعر را می‌خوانند وجه‌شبهه را به همان گونه می‌پندارند که شاعر پنداشته است

چشم دگر گاو فربه

سبزتر از خلوت بودا (همان: ۷۰۶)

چون آخرین ستاره‌ی گمراه آسمان

غلتیده‌ام به دامن بخت سیاه خویش (همان: ۱۴۰)

مشخص نیست که آخرین ستاره‌ی گمراه آسمان چگونه به دامن بخت سیاه خویش غلتیده است نمی‌توان دقیق نوع وجه‌شبهه را مشخص کرد.

در من پرش گرفت نیروی ناشناخته‌ای

چون تب شراب

با مستی گذاخته‌اش در سرم دوید (همان: ۴۳۱)

### وجه‌شبهه مرکب<sup>(۱۰)</sup>

«هنری‌ترین وجه‌شبهه است و از مشبه‌به مرکب اخذ می‌شود هیأت حاصله از امور متعدد است و یا اصطلاح منتزعه

از چند چیز است یعنی تابلو و تصویری است که از مجموعه‌ی جزئیات گوناگون حاصل می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۶:

۱۰۷). از این نمونه وجه‌شبهه ۶۳ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

نورسپید در قدح سبز آسمان

شیر بریده‌ایست پر از لخته‌های خون (نادرپور، ۱۳۸۱: ۴۰۱)

وجه‌شبهه: سفیدی آمیخته با آبی آسمان (حالت سرخگونگی)

دل خونین مرا بستر غم خوابگه است

خال سرخی است که بر گونه زرد افتاده است (همان: ۲۹۶)

وجه‌شبهه: قرار گرفتن سرخی در میان زردی

اندام تو از لابلای سایه‌ها تافت

چونانکه در ظلمت سپیدی می‌زند مرمر (همان: ۸۲۹)

وجه‌شبهه: سپیدی زدن چیزی روشن در میان سیاهی

اما هنوز اندام تو در جامه‌ی خاکستری

چون آتشی با دود در جنگ است (همان: ۸۳۰)

وجه‌شبهه: قرار گرفتن چیزی سرخ در میان خاکستری

مانده به چشم نشان از خط زنجیر

چون به شن تر شیاری از تن ماری (همان: ۲۳۱)

وجه‌شبهه: ماندن جای یک خط یا شیاری بر روی جسم دیگر

## ادات

«مانواژ (ادات) واژه‌ای است که به یاری آن ماندگی در میان دو سوی تشبیه نشان داده می‌شود مانواژ چندان بهره ای در پندار شاعرانه و زیباشناسی تشبیه ندارد، مانواژها در پارسی واژگانی‌اند چون، همچون، مانند، بسان و به کردار» (کرزای، ۱۳۷۵: ۷۱).

از جمله اداتی که نادرپور بیشتر در دیوان خود استفاده کرده است عبارتنداز: چون، همچون همچنان و همچو که در مجموع ۵۴۹ عدد می‌شود:

چون دزد تازه کار با حیرت و هراس گذر می‌کند نگاه (نادرپور، ۱۳۸۱: ۸۹۵)

خورشید هم که تیرش به سنگ خورده است

چون من مشوش است (همان: ۷۹۹)

من از زمان رحلت خونین آفتاب

همچون دری به سوی فنا بازگشته‌ام (همان: ۷۵۰)

از قاب تنگ پنجره سنگ نگاه من

چون مرغ پرکشید (همان: ۴۱۳)

از ادات گویی و بگونه ۲۱ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

آنگونه می‌پریم که به چشم ستاره‌ها

گویی زکوه می‌گسلد سنگپاره‌ای (همان: ۲۸۰)

گویی لهیب گریه‌ی باران مغربم

کاتش زخم به خرمن آفاق بی فنا (همان: ۱۴۱)

از ادات «مانند» ۳۰ عدد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

ماگور دختران فضیلت را

مانند تازیان بیابانگرد

در شوره زار جهل و جنون کن‌دیم (همان: ۶۳۵)

## زاویه تشبیه

در مورد زاویه‌ی تشبیه در کتب مختلف تقسیم‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد در حقیقت همان تقسیم تشبیه به اعتبار وجه‌شبهه به صورت قریب مبتذل و غریب بعید است بدین ترتیب که «هر قدر زاویه‌ی تشبیه بازتر باشد یعنی ربط مشبه و مشبه‌به دورتر باشد تشبیه هنری‌تر است و در اصطلاحات قدیم به آن تشبیه غریب یا بعید می‌گویند. اما هر قدر زاویه‌ی تشبیه تنگ‌تر باشد یعنی ربط و شباهت بین مشبه و مشبه‌به واضح‌تر و نزدیک‌تر باشد تشبیه غیر هنری است و به آن تشبیه مبتذل و قریب می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۱۳) اکثر تشبیهاتی که در دیوان شعر نادرپور بکار رفته است، تشبیهات غریب و بعید می‌باشد و دریافت وجه‌شبهه، ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه‌به دشوار است و محتاج تأمل و تفکر بسیار می‌باشد بعنوان نمونه:

تقویم می‌داند که در آن نیمه‌ی خرداد،

چون ساعت تقدیر زنگ نیمه شب را زد (نادرپور، ۱۳۸۱: ۷۶۵)

در اینجا تقدیر به ساعت تشبیه شده است و دریافت وجه‌شبه آن به نوعی مشکل می‌باشد اما پس از تأمل و تفکر بسیار وجه‌شباهتی که بین تقدیر و ساعت یافتیم « گاه شماری » می‌باشد ولی بازهم چندان نسبت به تقدیر معنای روشن و واضحی ندارد. یا مثلاً در این بیت که نادرپور گفته است:

درغیاب من و تو، ساعت دیواری

با دو انگشت فسونکارش

زخمه برتار زمان می‌زد (همان: ۸۶۹)

این جا تار به زمان تشبیه شده است دریافت ویژگی مشترک بین تار و زمان به نوعی دشوار است ولی اندکی با تأمل « آهنگین بودن » به ذهن رسید اما باز هم نسبت به زمان چندان معنای واضحی ندارد.

بوی برف بامداد کودکی (همان: ۴۷۱)

کودکی به بامداد تشبیه شده است اما اندکی با تأمل متوجه می‌شویم بامداد یعنی آغازین بودن، کودکی هم یعنی در اولین مرحله‌ی زندگی گام گذاشتن پس از جهت « آغازین بودن » کودکی به بامداد تشبیه شده است. اما تشبیه قریب هم در دیوان نادرپور بکار رفته است و شمار آن بسیار کم است حتی تشبیهات قریب نادرپور هم جنبه‌ی هنری و زیبا دارند.

حریر نرم هوا تر بود (همان: ۲۵۲)

در اینجا هوا به حریر تشبیه شده است که وجه‌شبه آن نرمی و لطافت است خیلی آسان به ذهن می‌رسد. چه تشبیه قریب و چه تشبیه بعید با زیبایی خاصی در شعر نادرپور بکار رفته است که همواره توجه خواننده یا شنونده را به خود معطوف می‌کند علت آن هم این است که او شاعر تصویرپرداز بزرگی است اما با همه‌ی اینها « تصاویر نادرپور گاهی به مثنوی گاه می‌ماند که انسان را بسوی هوا پرتاب کرده باشد و بادی فرا رسد و هر تکه از گاه را به گوشه‌ای ببرد در پشت سر تصاویر بعضی از شعرها، انسانی بزرگ و اندیشمند به چشم نمی‌خورد » (براهنی، ۱۳۵۸: ۳۸۲).

تشبیه به لحاظ شکل<sup>(۱۱)</sup> در دیوان نادرپور

تشبیه ملفوف: تشبیه‌ی که چند مشبه ذکر شود و سپس مشبه‌به‌های هر کدام ذکر شود این تشبیه مبتنی بر صنعت لف و نشر است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۷).

از این نمونه تشبیه ۲ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

اینجا زمان و خاطره بیگانه از همند

وز یکدیگر بسان شب و روز می‌رمند (نادرپور، ۱۳۸۱: ۹۴۱)

### تشبیه مقرون

چندمشبه و مشبه‌به داریم هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است، از این نمونه تشبیه در دیوان نادرپور ۳ عدد بکار رفته است:

میان نیک و بد ایام تفاوت نتوانیم یافت

که روز من به شبم ماند بهارمن به زمستانم (نادرپور، ۱۳۸۱: ۸۴۵)

تو فانوسی و عشق تو سایه‌ی من (همان: ۳۰۰)



### تشبیه تسویه

برای چند مشبه یک مشبه‌به آورده شود؛ چند مشبه ابتدا آورده می‌شود و سپس آن مشبه‌ها به یک مشبه‌به تشبیه می‌شود. از این نمونه تشبیه ۱۸ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

باشاخه‌ی نازک پاها و دست‌ها  
ابریشم هوا را تا آسمان درید (همان: ۴۲۹)

پاها و دست دو چیز هستند به یک چیز یعنی شاخه‌ی نازک تشبیه شده است

برف و شکوفه آیت توحیدند  
این هر دو را از آفت بیگانگی چه باک (همان: ۷۳۸)

روزها و شب‌ها این سکه‌های قلب  
در دست‌های چرکین ساییده می‌شوند (همان: ۴۴۷)

### تشبیه جمع

برای یک مشبه چند مشبه‌به آورده می‌شود عکس تشبیه تسویه است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸). از این نمونه تشبیه ۴۸ مورد در دیوان شعر نادر پور بکار رفته است:

طنین گام تو در لحظه‌ی آمدن تو  
صدای جوشش خون است در سکوت رگ من  
صدای رویش برگ است از درخت تن تو (نادرپور، ۱۳۸۱: ۶۹۸)

گهگاه قطره‌های زلالش را  
چون مهره‌های جامد تسبیح  
یا روزهایی مرده‌ی دیرین  
در لا بلای پنجره شمردن (همان: ۷۲۷)

چشمه می‌خندید و ذرات ستاره  
در دهانش همچو پولک‌های ماهی  
یا چو دندان زمروارید غلتان (همان: ۹۸)

### اقسام دیگر تشبیه در دیوان نادرپور

نوعی دیگر از تشبیه که در دیوان نادرپور بکار رفته است تشبیهی است که ادات تشبیه در آن ذکر نشده است و در آن‌ها با افزودن علامت تفضیل « تر » به آخر کلمه‌ای که در حکم وجه‌شبهه است مشبه در داشتن صفتی نسبت به مشبه‌به برتری می‌یابد. این نمونه تشبیه توأم با اغراق و اغلب موثر و زیباست. از این نمونه تشبیه ۱۰۸ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

قرص بزرگ ماه را نازکتر از گلبرگ  
گسترده بر آب زلال کهکشان دیدن (نادرپور، ۱۳۸۱: ۹۰۴)

من در شبی برهنه‌تر از مرمر سیاه  
بر فرش برگ‌های خزان راه می‌روم (همان: ۹۴۴)

وان شیر نقره‌گون  
فکر مرا سپیدتر از موی می‌کند (همان: ۹۵۰)

### تشبیه در تشبیه

«گاهی مشبه و مشبه‌به، خود اضافه‌ی تشبیهی یا استعاره‌ی هستند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۲۱). از این نمونه تشبیه ۲۷ مورد در دیوان نادرپور بکار رفته است:

در نیمه‌های شب که نگین درشت ماه از پنجه‌ی درخت رها گشت  
و ناگهان همچون حباب در دل آب روان شکست (نادرپور، ۱۳۸۱: ۸۹۲)

در اینجاست نگین درشت ماه که خود اضافه‌ی تشبیهی هست و تشبیه فشرده از نوع اضافی می‌باشد به حباب تشبیه شده است.

### تشبیه موقوف‌المعانی

«در دیوان نادرپور از این نمونه تشبیه ۲۳ مورد بکار رفته است» «این تشبیه تشبیهی است که فهم وجه‌شبه آن (چه تشبیهی باشد به صورت اضافی و چه تشبیهی باشد به صورت غیر اضافی) در گرو تشبیهی دیگر است مثلاً اگر کسی بگوید «شاخه‌ی لبان» تشبیهی بی معنی ساخته است اما وقتی نادرپور می‌گوید:

برشاخه‌ی لبان تو  
مرغان بوسه‌ها

اضافه‌ی تشبیهی معنادار می‌شود زیرا همان طور که نشست و برخاست مرغ بر شاخه است جای بوسه نیز بر لب است یعنی فهم هر کدام از این اضافه‌ها موقوف به فهم اضافه‌ی دیگر است: اگر لب را شاخه بدانیم. بوسه مثل مرغ است یا اگر بوسه را مثل پرنده بدانیم لب مثل شاخه است» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۱۹).

نه شمع غنچه‌ای در شمع‌دان شاخه‌ها دارد (نادرپور، ۱۳۸۱: ۳۱۱)

تا بوته گناه نروید زیاغ دل (همان: ۴۳۳)

کزانه‌دام میوه‌ی هستی آینه‌ی زلال منیوم

خالی ز نقش گداخته، پاییز در رسید:

گوگرد برگ‌ها

باروت شاخه‌ها

از شعله‌های مشعل او سوخت ناگهان (همان: ۴۳۰)

### تشبیه حماسی - تفصیلی

«تشبیهی است که بر خلاف تشبیهات معمولی که موجز است گسترده باشد مثلاً فقط حال مشبه را بیان نکند بلکه مفصلاً به توصیف مشبه‌به پردازد و از این رو بدان تشبیه تفصیلی می‌گویند (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۳۳). از این نمونه تشبیه نادرپور ۹ مورد در دیوان خود بکار برده است:

مرد می‌گفت:

که خورشید از این پس نه همان بادیه پیمای کهن سال است

که همه روزه فلق را به شفق می‌دوخت

بل جوانی است سهی قد و میان باریک

گندمی موی و طلایی چشم

که حریری به صفای نمک و نور به تن دارد (نادرپور، ۱۳۸۱: ۷۲۳)

آه ای طلوع روشن غمگین

آیا تو بامداد بلوغی؟

آن بامداد دور که نور طلایی‌اش  
در موزه‌ی تصور من می‌تافت  
تا چهره‌ها و پیکره‌ها را عیان کند  
تا در تن مجسمه‌های خیال من  
جانی بیافریند و خونی روان کند  
آن بامداد دور که در روشنایی‌اش  
لب برجین آینه‌ها می‌گذاشتم (همان: ۷۰۸)

### جدول بسامدی انواع تشبیه در دیوان نادرپور

#### انواع مشبیه به

درصد	تعداد	اقسام مشبیه به
۳۵	۶۲۳	طبیعت
۲۷	۴۷۹	اشیاء
۸	۱۴۱	انسان
۷	۱۱۷	متعلقات انسان
۶	۹۷	حیوان
۴	۷۸	جا و مکان
۴	۶۶	اعضای بدن انسان
۳	۴۴	خوردنی و مزه
۲	۳۸	زمان
۲	۳۵	اعضای بدن حیوان
۱	۱۸	موجودات وهمی
۱	۱۵	بانگ و آوا
۱۰۰	۱۷۵۱	جمع کل

#### انواع تشبیه از لحاظ گسترده و فشرده بودن

درصد	تعداد	اقسام تشبیه
۶۲	۱۱۲۱	تشبیه گسترده
۳۸	۶۹۴	تشبیه فشرده
۱۰۰	۱۸۱۵	جمع کل

#### انواع تشبیه به اعتبار طرفین

درصد	تعداد	اقسام تشبیه
۴۹	۷۲۴	مفرد به مفرد
۲۷	۶۹۰	مفرد به مقید یا بالعکس
۱۷	۲۵۹	مقید به مقید
۴	۶۸	مرکب به مرکب
۱	۲۲	مرکب به مقید یا بالعکس
۱	۸	مفرد به مرکب یا بالعکس
۱۰۰	۱۷۷۱	جمع کل

انواع تشبیه به اعتبار حسّی و عقلی بودن طرفین

درصد	تعداد	اقسام تشبیه
۶۵	۱۲۰۶	حسی به حسی
۲۲	۴۱۲	عقلی به حسی
۱۰	۱۹۷	حسی به عقلی
۳	۶۲	عقلی به عقلی
۱۰۰	۱۸۷۷	جمع کل

انواع وجه‌شبهه

درصد	تعداد	اقسام تشبیه
۵۷	۱۰۴۷	وجه‌شبهه تحقیقی
۲۸	۵۱۰	وجه‌شبهه استخدام
۹	۱۷۶	وجه‌شبهه مبهم
۳	۶۳	وجه‌شبهه مرکب
۳	۵۸	وجه‌شبهه تخیلی
۱۰۰	۱۸۵۴	جمع کل

انواع تشبیه از لحاظ شکل ظاهری

درصد	تعداد	اقسام تشبیه
۶۸	۴۸	تشبیه جمع
۲۵	۱۸	تشبیه تسویه
۴	۳	تشبیه مقرون
۳	۲	تشبیه ملفوف
۱۰۰	۷۱	جمع کل

انواع تشبیه از جهات دیگر

درصد	تعداد	اقسام تشبیه
۶۵	۱۰۸	تشبیه تفضیل
۱۶	۲۷	تشبیه در تشبیه
۱۴	۲۳	تشبیه موقوف المعانی
۵	۹	تشبیه حماسی - تفصیلی
۱۰۰	۱۶۷	جمع کل

در این جدول‌ها درصد هر گروه نسبت به خود گروه در نظر گرفته شده است.

### نتیجه‌گیری:

تشبیه از مهمترین ابزارهای بیان مجازی است که باعث تأثیر و ماندگاری بیشتر سخن در ذهن مخاطب می‌شود. نادرپور از این ابزار بیانی در کنار- استعاره- در دیوان خویش بیشترین استفاده را نموده است. شعر نادرپور از نظر تشبیه چه به صورت گسترده و چه به صورت فشرده بسیار غنی می‌باشد مهمترین خصیصه‌ای که در تشبیهات شعر نادرپور جلب نظر می‌کند تازگی آنهاست تشبیهات حسی به حسی در مجموعه‌ی اشعار او فراوان دیده می‌شود نادرپور از تشبیهات عقلی به حسی هم استفاده نموده ولی این نوع تصویر نسبت به حسیات او اندک است؛ تشبیهات حسی به عقلی هم در دیوان او بکار رفته و تشبیهاتی که هر دو سوی آن عقلی باشد در مجموعه‌ی اشعارش با بسامد کمتری بکار رفته است تشبیهات فشرده‌ی وی نشان دهنده‌ی این است که در ابداع این گونه تصاویر شعری شاعری طرفه کار است و تشبیهات مفرد به مفرد نادرپور به میزان قابل توجهی بیشتر هستند و از میان وجه‌شبه‌ها، وجه‌شبه تحقیقی به علت تازه و بکر بودن تشبیهات وی سهم بیشتری را به خود اختصاص داده و انواع تشبیه از لحاظ شکل ظاهری به میزان بسیار کمتری در دیوان شعر وی بکار رفته است.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- نادرپور در سال ۱۳۰۸ در تهران به دنیا آمد اما ابتدا در قالب چهار پاره و بعد در قالب‌های آزاد نیمایی اشعار فراوانی سرود از او مجموعه‌های: چشم‌ها و دست‌ها ۱۳۳۳، دختر جام ۱۳۳۴، شعر انگور ۱۳۳۴، سرمه‌ی خورشید ۱۳۳۹، گیاه و سنگ نه آتش ۱۳۵۰ و از آسمان تا ریسمان و چند منتخب اشعار انتشار یافته است. نادر نادرپور در سال ۱۳۷۸ در خارج از وطن درگذشت. نادر نادرپور از شاعران نام‌آور معاصر است که در سرودن اشعار غنایی قریحه‌ای درخشان و هنری دارد او دارای تخیل لطیف و آفریننده است. در میان شاعران او از محدود کسانی است که در زبان فارسی صاحب نظر است «شافعی، ۱۳۸۰: ۴۹۱». نادرپور اگر چه شاعری است با تخیلی دور پرواز و نیز با زبان شعری که بی‌امضا هم شناخته می‌شود اما در برخی از اشعار او با مضامین اجتماعی روبرو می‌شویم اما تخیل و زبان وی بیشتر در حوزه‌ی رمانتیسیم و در خدمت بیان عاطفه و احساس شاعرانه و گاه مضمون سازانه‌ی او بوده است (حقوقی، ۱۳۷۸: ۵۳۶).
- ۲- شعر نو (مدرن) فارسی صرفاً مفهومی در تضاد با شعر کهن ایران است منظور از شعر نو ایران، مجموعه‌ی جریان بسیار متنوع شعر فارسی است که سروده‌هایش آگاهانه با شعر سنتی در تضاد است «فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۱۸۸».
- ۳- بعنوان نمونه ر. ک: منابع عربی (الجارم وامین، ۱۳۷۹: ۲۹)، (الدیباجی، ۱۳۷۸: ۱۳۱)، (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۲۹)، (عتیق، ۱۷۱۹: ۶۲)، (الرادویانی، ۱۳۶۲: ۴۴)، (قیس رازی، ۱۳۷۳: ۳۰۶).
- منابع فارسی: (شمیسا، ۱۳۷۶: ۶۷)، (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۵۳)، (فتوحی، ۱۳۸۵: ۸۹)، (علوی مقدم، ۱۳۸۶: ۸۴)، (تجلیل، ۱۳۷۶: ۴۳).
- ۴- بعنوان نمونه ر. ک: منابع عربی: (الدیباجی، ۱۳۷۸: ۱۷۵)، (عتیق، ۱۷۱۹: م: ۱۵۰).
- منابع فارسی: علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۲)، (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۷۳).
- ۵- بعنوان نمونه ر. ک: منبع فارسی: (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۶۹).
- ۶- بعنوان نمونه ر. ک: منابع فارسی: (شمیسا، ۱۳۷۶: ۸۱)، (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۷۹: ۹۰)، (رنجبر، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۵).
- ۷- بعنوان نمونه ر. ک: منابع عربی (الدیباجی، ۱۳۷۸: ۱۳۴)، (جرجانی، ۱۹۸۲: م: ۵۷).
- منابع فارسی: (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۵۸)، (کزازی، ۱۳۸۵: ۴۳)، (شمیسا، ۱۳۷۶: ۶۹)، (علوی مقدم، ۱۳۸۶: ۹۴)، (طیبیان، ۱۳۸۸: ۲۸۶-۲۹۱).
- ۸- بعنوان نمونه ر. ک: منبع عربی: (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۳۰).
- منبع فارسی: (فتوحی، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۰).
- ۹- بعنوان نمونه ر. ک: منبع فارسی: (کزازی، ۱۳۷۵: ۴۴).
- ۱۰- بعنوان نمونه: ر. ک: منبع عربی: (جرجانی، ۱۳۷۴: ۵۷).
- ۱۱- بعنوان نمونه: ر. ک: منبع عربی (الدیباجی، ۱۳۷۸: ۱۴۶)، (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۴۰).
- منابع فارسی: (رنجبر، ۱۳۸۵: ۳۶)، (قیس رازی، ۱۳۷۳: ۳۱۰)، (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۲۶)، (کزازی، ۱۳۷۵: ۷۸ و ۸۰).

### فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- اسدالله پور، نگین، (۱۳۸۷)، *زیباشناسی اشعار نادر نادرپور*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک.
- الجارم، علی و مصطفی امین، (۱۳۷۹)، *البلاغه الواضحه*، تهران: الهام.
- الدیباجی، سید ابراهیم، (۱۳۸۷)، *پدایه البلاغه*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
- الرادویانی، محمد بن عمر، (۱۳۶۲)، *ترجمان البلاغه*، به تصحیح و اهتمام احمد آتش، تهران: اساطیر.
- براهنی، رضا، (۱۳۵۸)، *طلا در مس*، تهران: زمان.
- پور نامداریان، تقی، (۱۳۸۱) *سفر درمه*، تهران: نگاه.
- تجلیل، جلیل، (۱۳۵۸)، *معانی و بیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴)، *اسرار البلاغه فی علم البیان*، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۹۸۲. م)، *اسرار البلاغه فی علم بیان*، تصحیح سید محمد رشید رضا، بیروت: دار المعرفه.
- حقوقی، محمد، (۱۳۷۸)، *مروری بر تاریخ و ادبیات امروز ایران*، تهران: قطره.
- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، *انواع شعر فارسی*، تهران: نوید.
- رنجبر، احمد، (۱۳۸۵)، *بیان*، تهران: اساطیر.
- شافعی، خسرو، (۱۳۸۰)، *زندگی و شعر صد شاعر از رودکی تا امروز*، تهران: کتاب خورشید.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۵)، *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: نگاه.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶)، *بیان*، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، *معانی و بیان*، تهران: فردوس.
- طباطبائی، سید ذبیح‌الله، (۱۳۸۴)، *صورخیال در شعر شاعران تغزلی (ابتهاج، شهریار، نادرپور)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- طبیبان، حمید، (۱۳۸۸)، *برابرهای علوم بلاغت در فارسی و عربی*، تهران: امیر کبیر.
- عتیق، عبدالعزیز، (۱۷۱۹. م)، *علم البیان*، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- علوی مقدم، محمد، (۱۳۸۶)، *معانی و بیان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- علومی مقدم، محمدرضا اشرف زاده، (۱۳۷۹)، *معانی و بیان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- فتوحی، محمود، (۱۳۸۹)، *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- فرخ زاد، فروغ، (۱۳۳۵)، *حرف‌هایی با فروغ فرخ زاد*: دفترهای زمانه زیر نظر سیروس طاهباز، تهران: چاپ افست.
- فندرسکی، میرزا ابوطالب، (۱۳۸۱)، *رساله‌ی بیان و بدیع*، مقدمه تصحیح و تحشیح سیده مریم روضاتیان، اصفهان: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نادرپور، نادر، (۱۳۸۱)، *مجموعه اشعار نادر نادرپور*، تهران: نگاه.

### مقالات

- افضلی، رضا، (۱۳۸۸)، «*تصویرگری نادر نادرپور*»، مجموعه مقالات به اهتمام وعید وعیدگاه طرهبه‌ای، ص ۱۷۰-۱۴۹، تهران: انتشارات نامشخص.
- بهمنی مطلق، یدالله، (۱۳۸۷)، «*تشبیه در شعر سپهری*»، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۶۲، س ۱۶، ص ۱۶۲-۱۳۲.
- عمل صالح، احیاء، منیژه عبداللهی، ربابه کارگران، (۱۳۸۹)، «*بررسی عناصر طبیعت در کتاب فارسی دوم دبستان*» مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک، شماره ۲: س ۱، ص ۱۲۱-۱۰۱.
- فیروز آبادی، (۱۳۸۹)، «*شعر مدرن فارسی*»، نامه‌ی فرهنگستان، شماره دوم: دوره یازدهم، ص ۱۲۲-۱۱۶.